

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological	مسائل ایدئولوژیک
-------------	------------------

عارف گذرگاه
شهر لیموژ فرانسه

برگرفته از کتاب "از دهای خودی"
تألیف زنده یاد سید بهاء الدین مجروح

گفتار از یا بنده اسرار (حقایق مطلق)

تعريفات و توضیحات:

تعريف زندگی :

زندگی پدیده طبیعیست که در نخستین اشکال ساده و بسیط خود، جز جهاز هاضمه، چیز دیگری نیست. و جز اراده تسلط این عضو بر ماحول زیست، مرام برتری ندارد.
کوتاه: زندگی شکم است، و نیروی حرکت آن اراده حاکمیت بر عالم.
توضیح: اشکال گوناگون حیات، مراتب برتر و پیشرفته تر تکامل شکم اند.
مرحل پیچیده تر مبارزه خستگی ناپذیر شکم در راه بزرگی و بقاء.

تعريف مرگ:

مرگ، اشباح کامل جهاز هاضمه است، از خوردن و نوشیدن.
تجزیه آن عضو به مواد کیمیایوی ترکیب دهنده، و برگشت آن مواد به زمین، تا غذائی برای معده دیگری بوجود آید.
مرگ در نیست که شکم از خوراک باز ماند و خود، خوراک شکم دیگری گردد.
کوتاه: مرگ انتقال شکم است از حالت خورنده مواد خوراکی بخود مواد خوراکی.

تعريف انسان:

انسان زنده جانپست که در آن جهاز هاضمه متکامل، در راه مبارزه برای تسلط عالم، سلاح مؤثر عقل و شعور را بکار می برد.
کوتاه: آدمی شکم متکامل است مسلح با هوش و ذكاء.

شکم پروری و شکم پرستی

تعريف شکم پروری :

شکم پروری نوعی از شهوت است که کیفیت خوراک را در نظر دارد، نه کمیت آنرا. و در آن برداشتن لذت از خوراک هدف نهائی ادراک قرار میگیرد.
توضیح: شکم پروری از مرام سروری بیگانه است، تهدابی در اراده قدرت ندارد. بلکه سستی و کهالت بار می آورد و آدمی را از مبارزه باز میدارد.

تعريف شکم پرستی:

شکم پرستی، فضیلتی است که در آن کمیت خوراک در نظر است، نه کیفیت آن، و تلاش در راه شکم، مبدل به مبارزه برای تسلط بر عالم میگردد.

توضیح: شکم پرستی راه را بسوی قدرت طلبی میکشاید.

گرسنگی و سیری:

توضیح: اگر گرسنگی شکم وسیله است، اما شکم غایه نیست. مرام نهائی کسب قدرت است. نیروی قدرتمندان شکم سیر، در گرسنگی شکم گرسنگان است. از اینجا، گرسنگان را گرسنه نگه باید داشت، گرسنگی باید آموخت و بر شمار گرسنگان باید افزود. تا زورمندان، زورمندتر گردند. زیرا شکم سیران را توان آن نیست که برای شکم سیران بجنگند. فقط شکم گرسنگان، مبارر و سر باز اند و نگهبان قدرت شکم سیران صاحب امتیاز.

گرسنگی انقلابی:

مبارزه برای شکم، مبارزه در راه قدرت است و اما قدرت وسیله برای غایه دیگری نیست. قدرت، غایه فی نفسه است. هدف برای خود است. قدرت در خدمت گرسنگی نیست، بلکه گرسنگی در خدمت قدرت است. گرسنگی حقیقی، گرسنگی قدرت است، و این گرسنگی انقلابی است.

معیار خیر و شر:

نه نیکی را پایه و بنیادی در نفس خود است، و نه بدی را. نه حقیقتی در ماهیت خود تهدابی دارد و نه خطائی. نه زیبایی بر خویشتن استوار است، و نه زشتی نی. همه ضد همدیگر اند و هیچ یکی را برتری مطلق بر دیگری نیست. همه وسایل اند در خدمت یگانه معیار مطلق، و آن اراده قدرت است.

مطلقیت حقیقتی در قدرت است. و قدرت حقیقی در مطلقیت. ارزش ارزشها، مدار جنبشها و معیار جهشها همین است.

افسونگر قدرت، دروغ محض را به راست مطلق مبدل میسازد، شر و فساد را چون قانون ریخته، از پولاد جاری میگرداند. زشتی نفرت انگیز را چون زیبایی دلآویز جلوه گر می نماید.

بهشت در جهنم:

طالبان قدرت باید در گفتار بهشتی بنمایانند و در کردار جهنمی بسازند. زیرا، بهشتی در گفتار، انگیزه کردار است و اما بهشتی در واقعیت، فاجعه برای قدرت است.

اگر بهشت جهان ایمن خوشیها و لذت های بی پایان باشد، که در آن نه از درد گرسنگی اثریست و نه از رنج بیماری خبری. نه تشویشی از مصیبت و نه ترسی از آفت. پس در چنان مکانی نه به امری نیاز خواهد بود و نه به ماموری. نه حاکمی خواهد بود و نه محکومی. در نتیجه کاخ فرمانروائی فرو خواهد ریخت و فرمانروا رهسپار دیار نیستی خواهد گردید.

و اما اگر در عمل، آدمیان را در جهنم بیش از پیش سوزانتری فرو برید، و در گفتار، بهشت برینی پیهم بنمایانید، آن بهشت، در پندار ایشان بیش از پیش جالب تر و رنگین تر جلوه خواهد کرد، و مردم در راه رسیدن به آن کار و پیکار را بیشتر شدت خواهند بخشید و دستگاه اقتدار را محکمتر استوار خواهند ساخت.

نظم انقلابی و نظم ضد انقلابی:

نظم ضد انقلابی: را هدف ایجاد ایمنی است که در آن مردم احساس خطر ننمایند و هرکس با خاطر آرام مطلوب خود را بجوید. همه آسوده و آزاد زندگی کنند و بر پایه اعتماد، روابط دوستی با همدگر برقرار سازند.

تهداب این نظم، دوستی و محبت است و حاصل آن بی اعتنائی به فرمانروا و بی نیازی از قدرت است.

نظم انقلابی: را هدف براه انداختن هرج و مرج و تسلط بر هرج و مرج است که در آن هرچه بیشتر اشخاص، از ترس بی امنی روز افزون، داخل میدان پیکار می شوند و بیش از پیش آماده فرمانبری می گردند. مردم در فضای بی اعتمادی تام، با احساس دایمی ترس باهم زندگی میکنند. افراد، مرامهای گوناگون خود را از یاد می برند و در خدمت یگانه مرام، یعنی گسترش و استحکام دستگاه قدرت بکار میروند.

پایه این نظم بر دهشت و نفرت است و حاصل آن پرستش فرمانروا و احتیاج بدوام و استحکام قدرت میباشد.

* * *

و در انجام متن زرنگار یا "کتابچه شیطان" این مطلب با خط سرخ درج یافته بود.

« این دستور ها حقایق مطلق و پایدارند و گنجینه برترین رموز و اسرار. فقط رهبران انگشت شمار نظام محرومان وفادار ایشان، یعنی راهبان عالی مقام، میتوانند از آن آگاه باشند و بس. فاش کنندگان این اسرار در عذاب ناگفتنی گرفتار خواهند آمد، نزدیکان ایشان و بازماندگان ایشان را از نسلی به نسلی مجازات دایمی در انتظار خواهد بود.»

* * *